

خیلواکی



استقلال

www.esteqlaal.net

پنجشنبه ۱۱ فبروری ۲۰۲۱

نویسنده: بروس ریچاردسن
مترجم: میر عبدالرحیم عزیز

افغانی که نمیخواهد بجنگد

این مضمون قبلاً در ماه می سال ۲۰۰۳ به نشر رسیده بود. با در نظر داشت حالات کنونی، لازم دیده شد که یک بار دیگر از دید هم مینهان بگذرد تا مردم ما به حقایق عمده تاریخی کشور خویش عمیقاً پی ببرند.

بروس ریچاردسن (Bruce Richardson) نویسنده معروف امریکائی در امور افغانستان مضمونی را تحت عنوان "افغانی که نمیخواهد بجنگد" بتاريخ ۲۲ می سال ۲۰۰۳ به رشته تحریر در آورد که اینک ترجمه آنرا غرض آگاهی بیشتر هموطنان به ارتباط حقایق تاریخی کشور تقدیم میدارم. جا دارد که از خدمات قابل قدر بروس ریچاردسن برای مردم افغانستان اظهار قدردانی نمود. او توانست که از روابط سری احمد شاه مسعود با کی جی بی و اسرار معاهده مخفی مسعود با قوای اشغالگر شوروی پرده بردارد و هویت ضد ملی وی را به مردم و جهانیان بشناساند. در سال ۱۹۸۳ زمانیکه احمد شاه مسعود تصمیم گرفت که دیگر علیه قوای اشغالگر شوروی نه جنگ، سی آی ای (CIA) به این نتیجه پریشان کننده رسید که احمد شاه مسعود در یک معامله سری با شوروی داخل شده بود. چیزی که سبب ناراحتی شد این بود که این بار اول نبود. در سال ۱۹۸۱ و بعداً در سال ۱۹۸۲، احمد شاه مسعود از جنگ به نفع روس ها منصرف گردید، در عوض مسکو تهیه یک مقدار مواد غذایی، پول و ترک آن منطقه را به نفع احمد شاه مسعود وعده داد. این یک منطق ضعیف است که حامیان مسعود بکار برده و او را قهرمان میخوانند. در حقیقت همین عمل احمد شاه مسعود بود که باعث تمدید جنگ در سائر نقاط کشور گردید. حینیکه قشون ۴۰ هزار نفر به خیانت احمد شاه مسعود از پنجشیر آسوده شد، تمام قوت آتش خود را به سوی جنوب، غرب و جنوب شرق افغانستان متمرکز ساخت و در سراسر دوره اشغال کشور مسعود در خدمت ولینعمت های روسی خود باقی ماند.

سی آی ای (CIA) گمان نمود که درین وقت به تعداد سه صد قومندان مهم در جنگ علیه شوروی فعالیت دارند. عامل عمده منطقی و جغرافیائی، احمد شاه مسعود را فرد عمده جلوه داد. دره محصور پنجشیر به پایتخت و میدان های هوائی که قوای ۴۰ در آن متمرکز گردیده، نزدیک است. روس ها به اهمیت ستراتیژیک خطوط مواصلاتی شاهراه سالنگ برای وسائل مخابراتی و تهیه مواد برای قوای اشغالگر خود پی برده و میدانستند که قوای شان از حیرتان تا کابل با در نظر داشت مانع طبیعی هندوکش و در صورت جنگ واقعی بسیار آسیب پذیر خواهد بود. واقعاً که روس ها درین منطقه به امنیت ضرورت داشتند که بتوانند جنگ را در سائر نقاط کشور طبق دلخواه پیش ببرند. جنرال گروموف روسی قومندان قوای ۴۰ اظهار داشت که: "مسعود اگر میخواست میتواندست صرف با پرتاب پاچه های سنگ این منطقه را به قبرستان قوای روس تبدیل کند. ما اصلاً نمیتوانستیم بدون باز بودن این راه یک روز را هم بقا نمائیم."

سازمان سی آی ای (CIA) فهمید که از نگاه جغرافیائی، دره پنجشیر یک منطقه کلیدی به شمار میرود. در سال ۱۹۸۳، سی آی ای، گست افرا کوتوس (Gust Avrakotos) کفیل اداره عملیات جنوب آسیا را به لندن فرستاد به این اعتقاد که سازمان امنیت خارجی انگلیس MI۶ قبلاً رابطه مخفی را با مسعود برقرار کرده است. سی آی ای (CIA) همچنان درک نمود که احمد شاه مسعود بار دیگر جنگ را علیه روس ها متوقف ساخته است. درین وقت، قانون امریکا اجازه نمی داد که مامورین رسمی امریکا به افغانستان سفر نمایند، بناً تماس مستقیم با مسعود ناممکن بود. مامورین امنیتی و کماندو های SAS انگلیس با مانعی مواجه نبودند و وقتاً فوقتاً به دره پنجشیر سفر میکردند. طبق اظهاریه افرا کوتوس، مسعود به مامورین امنیتی انگلیس شکایت کرده بود که وی و حامیانش مقدار کمی از کمک های نظامی را از طریق ISI پاکستان بدست میاورند و روی این دلیل از جنگ علیه قوای شوروی منصرف شده بود. MI۶ همچنان به افرا کوتوس (Avrakotos) گفت که آن سازمان یک خط مستقیم کمک رسانی را برای مسعود که مستقل از ISI پاکستان بوده، تاسیس نمود. رئیس شعبه سی آی ای (CIA) در منطقه، هاورت هارد (Howard Hard) عمیقاً نسبت به احمد شاه مسعود مشکوک شده و حتی قهر گردید که چرا وی کاروان لاری ها و تانک های روسی را در مسیر شاهراه سالنگ مورد حمله قرار نمیدهد. هاورت هارت (Howard Hart) نظرات و شك و تردید خود را در مورد مسعود به مرکز سی آی ای (CIA) فرستاد. تشویش دیگر اینکه، طبق اظهاریه فدیتوف (Fedetov) روسی، مسعود کماندو های قوای

هوایی شوروی را به حیث محافظین شخصی خود استخدام نموده بود. اسمای دو نفر از کماندو ها عبارت بودند از اسلام الدین (Islamutdin) و اسام الدین (Isometdin).

سندی گال (Sandy Gall) نویسنده انگلیسی اظهار میدارد که MI۶ به وی دستور داد که يك فيلم تلویزیونی از مسعود تهیه کرده و نشان دهد که مسعود يك نابغه نظامی است. جنرال گروموف (Gromov) روسی می نویسد که بعضاً مسعود جنگ های ساختگی را با قوای ما به راه می انداخت تا شك و تردید نسبت به وی تقلیل یابد. این گفتار گروموف توسط آمر دیپارتمنت اول کی جی بی (KGB) شیبارشین (Shebarchin) هم تائید شده است. وی در کتاب خود به اسم "ست مسکو" نوشت که تمام عملیات نظامی قوای شوروی در پنجشیر و ناکامی آن جعلی بوده است.

در سال ۱۹۸۴، مامور سی آی ای (CIA) به اسم گست افراکوتوس (Gust Avrakotos) که در میان همکاران خود نسبت فعالیت های مخفی اش در دور جهان بنام "دوکتور کثیف" معروف است بسوی پشاور پرواز نمود تا با برادر احمد شاه مسعود در عقب هوتل دین ملاقات نماید. درین دیدار، مامور CIA به برادر مسعود اظهار داشت که CIA يك حساب بانکی برای مسعود در یکی از بانک های سویس باز خواهد کرد و يك خط ارسال اسلحه مستقل از ISI را هم به جود خواهد آورد. سوال درین جاست که چرا امریکا و انگلستان احمد شاه مسعود را کمک نمودند؟

هم سی آی ای (CIA) و هم سازمان امنیت خارجی انگلیس MI۶ بدون هیچگونه تردید آگاه بودند که احمد شاه مسعود قرار داد های مخفی با شوروی منعقد کرده بود. پس چه انگیزه ای امریکا و انگلستان را وادار ساخت تا به فعالیت های ضد شوروی خود ادامه دهند در حالیکه یکی از دریافت کنندگان کمک های شان یعنی احمد شاه مسعود از دل و جان مخفیانه با شوروی همکاری میکرد. بروس ریچاردسن مناقشه می نماید که ممکن است یکی از دلایلی که ظاهراً غیر منطقی جلوه میکند این باشد که انگلستان میخواست تا انتقام شکست خود را در قرن ۱۹ از قبایل پشتون بگیرد و بناً امریکا و انگلستان در صدد آن شدند تا شخصی را در قوم تاجک پیدا نمایند و به حمایت وی بپردازند. با جود کشمکش عمیق بین امریکا و شوروی، حد اقل این دو کشور بر يك مسله وجه مشترك داشتند: حمایت از احمد شاه مسعود در آینده. شکست تحقیر آمیز انگلستان در افغانستان در قرن ۱۹ از جانب قبایل پشتون هرگز فراموش برتانیه نمیشود. امریکا هم در اواخر جهاد افغانستان علاقمندی زیادی به موفقیت نظامی در افغانستان نداشت و يك تعداد از اعضای سی آی ای در آن وقت بطور تحقیر آمیزی از پشتون ها یاد میکردند، بناً هیچگونه نگرانی در مورد وقوع جنگ داخلی نداشتند و حتی معتقد بودند که زد و خورد داخلی باعث خواهد شد که تند روان اسلامی نتوانند به آسانی به قدرت

برسند. بروس ریچاردسن معتقد است که چنین طرز دید خط مش اداره بوش را هم نسبت به پشتون ها تحت تاثیر قرار داده است. در روز های اول حمله امریکا به افغانستان، سی آی ای سعی نمود که با نشرات جعلی، نفوس پشتون ها را از نگاه احصائیه ناچیز جلوه دهد. سی آی ای به این اعتقاد بود که با به قدرت رسیدن احمد شاه مسعود، يك حكومت متمایل به غرب در افغانستان تشکیل خواهد شد. اما نشر کتاب از میان چشمان دشمنان من "Through My Enemies Eyes" این را ثابت ساخت که احمد شاه مسعود مطبوعات و سیاستمداران غرب را در مورد طرز دید سیاسی ضد غربی خود، روابط صمیمی اش با شوروی و بی اعتنائی وی به حقوق زن که برای بیش از ۲۰ سال ادامه داشت، فریب داد.

پولی که به وسیله سی آی ای (CIA) و MI۶ برای وی در بانک های سوئیس ذخیره شده بود درحقیقت به مردم افغانستان تعلق داشت و دارد و نباید به مصارف شخصی مسعود و فامیلش میرسید. این حساب بانکی که در سال ۱۹۸۴ در سوئیس تاسیس گردید، دلیل اصلی مناقشه بین فهیم و برادران احمد شاه مسعود می باشد. فهیم ادعا دارد که این پول جز ملکیت شورای نظار است، در حالیکه برادران مسعود تاکید میورزند که این پول به فامیل مسعود تعلق دارد و هر طوریکه لازم دانند از آن مستفید خواهند شد. ثروت فعلی اسمعیل خان، برهان الدین ربانی، فهیم و دوستم به صد ها میلیون دالر بالغ میشود. برعلاوه، هر یک این افراد ناصالح از خانه های لوکس، موتر های سال، غذا های بی نظیر و حوض های گرم برای آب بازی لذت میبرند در حالیکه میلیون ها افغان در فقر و گرسنگی دست و پا میزنند. جای تعجب اینکه این افراد خود را نماینده و حامی مردمی میدانند که از فرط گرسنگی و غربت در حال مردن اند.

این بی عدالتی وحشتناکی است که بوسیله سازمان های امنیتی امریکا، روس، ایران، برتانیه و سائر کشور ها خلق شده است و حقوقدانان برجسته جهان مصمم اند تا در آینده جلو چنین خود سری ها و بی عدالتی ها را بگیرند. این امیدواری وجود دارد که حقوق دانان ورزیده سعی نمایند که پول و ثروت هنگفتی که فعلاً در دست جنگ سالاران و جانپان قرار دارد و باعث تقویه موضع ایشان در مقابل ملت میگردد، از دست ایشان خارج ساخته شده و برای مردم افغانستان و کشور شان به مصرف برسد. جامعه شناسان طراز اول جهان معتقدند که مردم افغانستان از نتایج مصیبت بار جنگ های تحمیلی رهائی نخواهند یافت، مگر اینکه چنین اشخاص درنده خو از قدرت بیافتند. بدبختانه در افغانستان، کلیه جنگ سالاران مشتری روسیه، امریکا، ایران، برتانیه و سائر کشور ها اند و در عوض مردم افغانستان در رنج و عذاب ستمگران بسر میبرند.

معامله مخفی مسعود با مسکو بود که روس ها سرزمین وسیعی در شرق و جنوب افغانستان را منهدم کردند. قریه جات نابود گردید، کانال های آبیاری به خاک مبدل شد، حیوانات اهلی مردم طور فجیعی زیر کشتار رفت، محصولات زراعتی و غذائی سوختانده شد و مردمان بیگناه این مناطق یا به قتل رسیدند و یا اینکه از اثر شکنجه و عذاب مردند و یا فرار کردند. این میراث دایمی معامله مخفی احمد شاه مسعود با روس ها خواهد بود.

بروس ریچاردسن مینگارد که عدالت از مسیرش انحراف نموده است. به اثر قوه آتش امریکا و فعالیت دیپلماتیکی این کشور، حلقه اول حامیان مسعود بر اریکه قدرت رسانیده شدند. در يك حادثه تاریخی، جانمایی که با مسعود همکار بودند و کشور را بسوی تباهی بردند و آنرا به دالر و روبل فروختند، حالا هرم سیاسی افغانستان را تشکیل میدهند. غرض مشروعیت بخشیدن به غضب قدرت و اعمال ضد بشری شان، حامیان مسعود و مافیای پنجشیر وجه احمد شاه مسعود را طور دروغین بالا برده و بیشترمانه سعی میکنند که وی را قهرمان ملی جلوه دهند. درین لحظات که جهان در خواب غفلت است، جانیمان شرکت جنائی مسعود همراه با مطبوعات غیر مطلع فعالیت را به راه انداخته اند تا مردم و جهان گناهان و جنایات علیه بشریت ایشان را ببخشند و به قهرمان ساختگی شان لقب ولی مقدس را اعطاء نماید. مسؤولیت این حادثه ناگوار به درجه اول متوجه کشور های حامی این افراد جنایت پیشه است. روسیه، امریکا، ایران، برتانیه و سائرین کشور هائی اند که این مسؤولیت را با خود حمل خواهند کرد. این کشور ها طبق معمول جانیمان را استخدام میکنند تا حکومت دلخواه خود را به وجود آورند و یا اینکه تابع اوامر شان گردند.